

دو فصلنامه علمی تاریخ نگری و تاریخ نگاری دانشگاه الزهراء (س)
سال سی و سوم، دوره جدید، شماره ۳۲، پیاپی ۱۱۷، پاییز و زمستان ۱۴۰۲
مقاله علمی - پژوهشی
صفحات ۲۸۵-۳۰۹

واکاوی نگرش انسان شناسی دینی در متون تاریخی ثقفی کوفی و قزوینی رازی^۱

طاهره نظری ایلخانی آبادی^۲
مجتبی گراوند^۳، داریوش نظری^۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۰۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۱/۲۱

چکیده

انسان شناسی دینی به منزله رویکردی میان رشته ای، جایگاه انسان را در نسبت با آموزه های الهی بررسی می کند. این مفهوم در سنت امامیه، به ویژه از منظر انگاره «انسان کامل» و پیوند آن با نظام دینی، صورتی متمایز یافته است. پژوهش حاضر با روش توصیفی تحلیلی می کوشد به این پرسش پاسخ دهد که بازتاب انسان شناسی دینی در دو متن شاخص امامیه یعنی *الغارات* تألیف ابراهیم بن محمد ثقفی کوفی (۲۸۳ ق) و *التقص* نوشته عبدالجلیل قزوینی رازی (۵۶۰ ق) چگونه صورت بندی شده است. با وجود تفاوت در مشرب فکری این دو مؤلف ثقفی به عنوان محدث و قزوینی به عنوان متکلم هر دو تاریخ را به مثابه ابزاری برای بازنمایی سیمای انسان دینی و دفاع از هویت شیعی، در سه محور مشترک به کار گرفته اند: هویت سازی مبتنی بر عقل و اخلاق، بهره گیری از روایت های تاریخی، و تعامل با زمینه های اجتماعی. تأکید *الغارات* بر انسجام اخلاقی و گرایش *التقص*

۱. شناسه دیجیتال (DOI): 10.22051/hph.2025.49637.1773

۲. دانشجوی دکترای گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه لرستان، خرم آباد، ایران: tahherehnazari@yahoo.com

۳. دانشیار گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه لرستان، خرم آباد، ایران (نویسنده مسئول): garavand.m@lu.ac.ir

۴. دانشیار گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه لرستان، خرم آباد، ایران: nazari.d@lu.ac.ir

- مقاله برگرفته از رساله دکتری با عنوان "بینش و روش در تاریخ نگاری مورخان شیعه امامی از قرن سوم تا ششم هجری" با دانشگاه لرستان است.

به تقریب مذهبی، از گذار گفتمان امامی به سوی نگرشی تعامل‌گرا حکایت دارد. در این چهارچوب، انسان کامل موجودی چندبُعدی است که از رهگذر عقل، اخلاق و شریعت، نقش اصلاح‌گرانه‌ای در جامعه ایفا می‌کند. مؤلفان باتکیه بر عقلانیت، دو مسیر مکمل را ترسیم کرده‌اند: مسیر درون‌دینی با تثبیت هویت شیعی و مسیر برون‌دینی با گرایش به دیالوگ چندفرهنگی. از منظر آنان، تاریخ نه صرفاً روایتی از رخدادها، بلکه ابزاری معرفتی برای تبیین ارزش‌های انسانی و نجات‌بخش تلقی می‌شود و در این میان، مفهوم «انسان کامل» به‌عنوان الگویی جامع از کمال انسانی در منظومه معرفتی امامیه جایگاهی محوری می‌یابد.

کلیدواژه‌ها: متون تاریخی شیعه امامی، انسان‌شناسی دینی، نگرش درون‌دینی و برون‌دینی، ابراهیم ثقفی کوفی، عبدالجلیل قزوینی رازی.

مقدمه و طرح مسئله

متون تاریخی شیعه امامی در سده‌های سوم تا ششم هجری، تحت‌تأثیر تحولات اجتماعی، سیاسی و آموزه‌های دینی، صورت‌بندی ویژه‌ای یافتند. در این میان، شخصیت‌هایی چون ابواسحاق ابراهیم‌بن محمد ثقفی کوفی (متوفی ۲۸۳ق) و عبدالجلیل قزوینی رازی (زنده تا ۵۶۰ق)، باتکیه بر تعالیم امامیه، نقش برجسته‌ای در تدوین و بازنمایی روایت‌های تاریخی ایفا کردند. آثار این دو متفکر، افزون‌بر ثبت رویدادها، بستری برای تبیین مفاهیم اخلاقی، تربیتی و انسان‌شناختی فراهم آورده و تاریخ را به عرصه‌ای برای نمایش جایگاه انسان در منظومه دینی امامیه تبدیل کرده‌اند.

ابواسحاق ابراهیم‌بن محمد ثقفی کوفی (۲۸۳ق)، مورخ، محدث و مفسر قرن سوم، از خاندان ثقیف کوفه بود و نیای دوم او، سعیدبن هلال، از اصحاب امام صادق(ع) به‌شمار می‌آمد (کحاله، بی تا، ۱/۹۵؛ ابن ندیم، ۱۴۱۷: ۲۷۵؛ حموی، ۱۴۰۰: ۱/۲۳۲؛ توسی، ۱۴۱۵: ۲۱۴). منابع معتبر، انتساب او به تشیع امامی را تأیید کرده‌اند و برخی دیدگاه‌های خلاف، مانند زیدی‌بودن وی، را رد کرده‌اند (مامقانی، ۱۴۳۱: ۴/۳۰۷؛ ذهبی، ۱۴۱۹: ۲۱/۱۱۳؛ صفدی، ۱۴۰۲: ۶/۱۲۱؛ نجاشی، ۱۴۱۶: ۱۷؛ توسی، ۱۴۱۷: ۳۷).

اثر برجسته او *الغارات* است که به غارت‌های سپاهیان معاویه در قلمرو امام علی(ع) پرداخته و به‌عنوان منبعی معتبر در میان امامیه شناخته می‌شود (ناجی، ۱۳۸۴: ۸۶-۸۷/۹؛ علامه مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۷/۸۵؛ حرعاملی، بی تا: ۱۵/۱۱۴؛ الربیعی، ۱۴۲۹: ۲۱۴-۲۱۶). ثقفی با مهاجرت به اصفهان و انتشار المعرفه در مناقب اهل‌بیت(ع)، تاریخ را وسیله‌ای برای تبلیغ

تشیع دانست (نجاشی، همان، ۱۷).

در مقابل، عبدالجلیل قزوینی رازی، از نخبگان علمی ری در قرن ششم هجری، در فضایی تثبیت‌شده‌تر از تشیع امامی پرورش یافت. او پیش از نگارش اثر برجسته خود *التقصص*، آثار دیگری چون *البراهین فی امامه امیرالمؤمنین*، *مفتاح‌الراحت* و *تنزیه عایشه* را به رشته تحریر درآورد. قزوینی در *التقصص* با نثری استوار و تحلیلی به رد اثر ضدشیعی بعض *فصائح الروافض* پرداخته و در تثبیت هویت امامی نقشی مؤثر ایفا کرده است (قزوینی رازی، ۱۳۵۸: مقدمه مصحح، ۲۳؛ بغدادی، ۱۴۱۳: ۵/ ۵۰۰؛ موسوی خوانساری، ۱۴۱۱: ۱۸۶/ ۴؛ پاکروان و دیگران، ۱۳۹۹: ۴۲؛ آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۳: ۳/۱۳۰).

در این پژوهش، انسان‌شناسی دینی به مثابه رهیافتی میان‌رشته‌ای تلقی می‌شود که با تمرکز بر نسبت انسان و شریعت، جایگاه انسان را در نظام دینی امامیه مورد بررسی قرار می‌دهد. در این سنت، مفهوم «انسان کامل» جایگاه ویژه‌ای یافته است. با وجود تقسیم‌بندی رایج انسان‌شناسی به شاخه‌های علمی، فلسفی، عرفانی و نقلی، جایگاه انسان‌شناسی دینی همچنان محل بحث است (ولی‌پور، ۱۴۰۱: ۲۲؛ سهرابی‌فر، ۱۳۹۴: ۴۵-۴۳؛ کلین، ۲۰۱۱: ۱). این شاخه، با بهره‌گیری از رهیافت‌های مختلف، می‌تواند نقش مهمی در تبیین دیدگاه‌های اسلامی درباره انسان و پیوند آن با علوم انسانی ایفا کند.

آثار ثقفی و قزوینی نیز، هرچند در ظاهر از دو دوره متفاوت‌اند، نشان از نگرش واحدی به انسان کامل دارند. اگرچه آثار آنان رنگ و بوی کلامی دارند و تاریخ در آن‌ها کارکردی ابزاری می‌یابد، هر دو متفکر در پی دفاع از هویت شیعی و تثبیت آموزه‌های اهل بیت (ع) بوده‌اند. مطالعه تطبیقی میان *الغارات* و *التقصص* نشان می‌دهد که متون تاریخی امامیه در سیر تحول خود از نگرش‌های ایدئولوژیک به سوی تحلیل‌های جامع و عقلانی حرکت کرده‌اند. ثقفی که در دوران پرتنش پس از غیبت صغری می‌زیست، تاریخ را ابزاری برای مشروعیت‌بخشی به تشیع قرار داد و باور به علم غیبی ائمه (ع)، به‌ویژه امام علی (ع)، را محور روایت‌های خود کرد. در مقابل، قزوینی در فضای نسبتاً تثبیت‌شده امامیه، با بهره‌گیری از روش‌های کلامی و فلسفی، نگاهی تحلیلی‌تر به تاریخ و انسان‌شناسی ارائه داد و ایده تقریب مذاهب را نیز مورد توجه قرار داد. این تمایز نشان‌دهنده حرکت متون تاریخی شیعه از روایت‌های ایدئولوژیک به سوی تفسیرهای عقلانی و جامعه‌محور است.

همچنین، در هر دو اثر، مفهوم «انسان کامل» جایگاهی محوری دارد. در *الغارات*، این مفهوم در بستر بحران مشروعیت پس از غیبت صغری و در *التقصص*، در زمینه تثبیت عقیدتی عصر سلجوقی بازتفسیر شده است. این روند تطور، حاکی از پویایی متون امامیه در انطباق با

نیازهای گفتمانی هر دوره است. بدین ترتیب، مطالعه تطبیقی الغارات و النقص نه تنها تحول مفهوم انسان کامل در گفتمان شیعی را نشان می‌دهد، بلکه آشکار می‌کند که چگونه این مفهوم به عاملی انسجام‌بخش در مواجهه با چالش‌های فکری و اجتماعی هر عصر تبدیل شده است. این پژوهش، با تحلیل مفاهیم انسان‌شناسی دینی در تبیین روایات تاریخی، نقش بینش‌های دینی و اخلاقی در پویایی متون تاریخی امامیه را تبیین می‌کند.

پیشینه پژوهش

بازتاب نگرش انسان‌شناسی کامل در رویکرد تاریخی شیعه امامی، به‌ویژه در آثار ثقفی کوفی و عبدالجلیل قزوینی، تاکنون به صورت مستقل بررسی نشده است. در شاخص‌ترین پژوهش‌ها کوهی و دیگران (۱۴۰۲) در مقاله «بازتاب هویت اجتماعی امامیه ری در کتاب النقص» تلاش قزوینی رازی در بازتعریف هویت شیعه بررسی کرده‌اند. فخرایی و دیگران (۱۳۸۹) در مقاله «منزلت اجتماعی و جایگاه سیاسی نخبگان شیعه امامیه» نقش نخبگان شیعه را تحلیل کرده‌اند. اکبری (۱۳۷۹) در مقاله «ابراهیم‌بن محمد ثقفی و نقش او در گسترش علوم اسلامی» و ناجی (۱۳۸۰) در «ثقفی ابواسحاق ابراهیم‌بن محمد» به معرفی ثقفی پرداخته و شناخت‌نامه‌ای را ارائه داده‌اند. هدایت‌پناه (۱۳۹۲) در «تأملی در تشیع و تسنن اصفهان» تأثیر مهاجرت ثقفی را بررسی کرده است. نجفیان رضوی (۱۳۹۴) در رساله دکتری «تکوین، تحول و تداوم تاریخ‌نگاری تشیع امامی» و قدیرپور محمدآباد (۱۳۹۹) در «تاریخ‌نگاری ابراهیم‌بن محمد ثقفی کوفی در کتاب الغارات» تاریخ‌نگاری شیعه را تحلیل کرده‌اند. آهنگر دارایی (۱۳۹۹) در پایان‌نامه «جایگاه تاریخ در کتاب النقص» نشان داده که قزوینی از تاریخ برای دفاع از جایگاه سیاسی شیعیان بهره برده است. پژوهش حاضر برای نخستین بار به بازتاب نگرش انسان‌شناسی دینی در اثر ثقفی و قزوینی رازی پرداخته است. این پژوهش می‌تواند فهم بهتری از نسبت میان متون تاریخی شیعه و آموزه‌های انسان‌شناسی به دست دهد و نقش این نگرش‌ها را در ارائه الگویی اخلاقی و تربیتی نمایان کند.

نگرش درون‌دینی و برون‌دینی

نگرش‌های درون‌دینی و برون‌دینی ثقفی کوفی و عبدالجلیل قزوینی بازتاب‌دهنده تعامل آن‌ها با فضای مذهبی و اجتماعی زمان خود است. نگرش درون‌دینی با تأکید بر حقانیت امامان، اهداف غایی، حفظ ارزش‌های دینی و استناد به متون دینی، «هویت شیعی» را تقویت می‌کند. در مقابل، نگرش برون‌دینی با نقد دیدگاه‌های رقیب و خرافات، اشاره به اهداف مقطعی و

مادی گروه‌ها، تحلیل عقلانی و وجود «دیالوگ چندفرهنگی» به نقد، اصلاح باورها و تبیین حقیقت می‌پردازد. این دو رویکرد به‌عنوان مکمل‌های یکدیگر، نقش کلیدی در حفظ هویت شیعه و اصلاح جامعه اسلامی ایفا کرده‌اند (Weinreich Sanderson, 2003: 22-23؛ آذربایجانی، ۱۳۸۵: ۱۵۳).

۱. نگرش درون‌دینی و اصل برجسته‌سازی

در منظر اندیشمندان تاریخ شیعه امامیه، نگرش درون‌دینی به‌عنوان ابزاری برای تقویت «هویت شیعی»، به‌منظور برجسته‌سازی، تحلیل داده‌ها و وقایع تاریخی به کار می‌رود (TAJFEL & TURNER, 1986: 8؛ حسن‌زاده، ۱۳۸۸: ۸۷)؛ بنابراین، قزوینی و ثقفی در تحلیل‌های تاریخی خود به مؤلفه‌های هویت شیعه، مانند باورها، آیین‌ها و تبلیغات شیعی توجه دارند و آن‌ها را برجسته می‌کنند.

به‌عنوان نمونه، این مؤلفان به منابع دینی مانند قرآن و احادیث استناد می‌کنند تا مشروعیت شیعه و پیامبر اکرم (ص) را تأیید کنند. این منابع به‌عنوان ابزار اثبات حقانیت شیعه و امامت امام علی (ع) به کار می‌رود. در این رویکرد، نگاه تقدس‌گرایانه به اماکن مذهبی، مانند مساجد شیعی، نیز مشاهده می‌شود. در آثار آنان، تمایز میان «خودی» (شیعیان امامیه) و «دیگری» (مخالفان) برای تقویت هویت مذهبی شیعه و مشروعیت حکومت دینی به کار می‌رود. یکی از جلوه‌های برجسته‌سازی هویت شیعه، شخصیت امام علی (ع)، امام اول شیعیان با فرازوفرودهای که در تاریخ اسلام به وقوع پیوست به‌عنوان انسان کامل است که نه‌تنها نقش او، بلکه اصول متون تاریخی شیعه را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد.

ابوهلال در *الغارات* و قزوینی در *النقص* با پرداختن به باورهای شیعه به بازنمایی امام علی (ع) به‌عنوان انسان کامل، نقش نبوت و صداقت پیامبران را در حفظ یقین و مصونیت از خطا تبیین کرده‌اند. آن‌ها معتقدند که فرستادن پیامبران از سوی خداوند، راهی برای تکامل بشر بوده و تأکید دارند که عقل برای رسیدن به کمال ضروری است، اما باید با شریعت همراه باشد تا هدف اصلی محقق گردد (ثقفی، ۱۳۹۵: ۲/۶۰۵؛ قزوینی، ۱۳۵۸: ۲۶۱).

این اندیشمندان ارسال پیامبران متعدد را به‌دلیل تطبیق دین الهی با فهم و اندیشه انسان‌ها می‌دانند و معتقدند که پیامبران با زبانی سخن گفته‌اند که متناسب با درک مخاطبان‌شان بوده است. در نگاه متفکران شیعه امامیه، دین ابراهیم نیز آیین فطرت و خرد است و اهل هیچ دیانتی نیست، مگر آن که به دین ابراهیم اعتقاد دارد و در دعا‌های خود از او یاد می‌کند. خداوند تمامی پیامبران خود را ملزم به پیروی از او دانسته و بدین‌سان بر حقانیت آن صحنه

گذاشته است (ثقفی، ۱۳۹۵: ۱/۳۰۶).

از دیگر جلوه‌های علایق دینی و باورهای شیعه در اثر متفکران شیعه امامیه که تقریباً در سراسر آثارشان مشهود است، اشاره به اماکن مذهبی، مساجد و جایگاه آن‌ها است. آنان با عنوان «مساجد بزرگ»، مهم‌ترین این اماکن را معرفی می‌کنند. ثقفی به مسجد کوفه و قزوینی نیز به مساجد شیعی در ایران، مانند مساجد سه گانه عتیق و مساجد آوه کاشان، ورامین، سبزوار و ساری اشاره می‌کنند (همو، ۶۰۴: ۲۱۵-۲۱۴). همچنین پرداختن به بعد دیگر باورهای شیعه احکامی نظیر طهارت، وضو، روزه، زکات، زیارت، عزاداری عاشورا، حج و سایر احکام شرعی است که در آن‌ها نمود پررنگی دارد و عبادت را وسیله‌ای برای منفعت و مصلحت انسان می‌دانند (ثقفی، ۱۳۹۵: ۱/۲۴۵؛ قزوینی، ۱۳۵۸: ۵۵۱ و ۱۹ و ۲۳ و ۷۸ و ۳۱۳ و ۹۹ و ۴۲ و ۱۶).

قزوینی در روایت‌های خود با پرداختن به باورهای شیعه به تفاوت‌های ظاهری میان شیعیان و ملحدان اشاره می‌کند، مانند انگشتی دست راست و رایت‌های سفید به آل علی و سیاه به آل عباس، اما تأکید می‌کند که این تمایزها نمی‌توانند نمایانگر باورهای درونی باشند. نویسنده همچنین بر این تأکید می‌کند که ایمان شیعه حتی در مواجهه با شرایط نادرست اجتماعی سالم و بی‌نقص باقی می‌ماند: «ایمان او را نقصانی و خللی نکند».

این دیدگاه در انسان‌شناسی دینی به این معناست که ایمان فرد از شرایط بیرونی تأثیر نمی‌پذیرد و درونی است. هرچند این تفاوت‌ها به تحلیل شکل‌گیری هویت‌های دینی از طریق نمادها و آیین‌ها کمک می‌کند (همان: ۴۱۲-۴۱۴). قزوینی بر اهمیت عقلانیت و تفکر انتقادی در درک دین تأکید کرده و با اشاره به سخنرانی خواجه بونصر، بطلان تقلید را مطرح می‌کند: «خواجه بونصر... با حضور صد هزار مرد سخن گفت و بطلان تعلیم و تقلید به غایت رسانید و همه مدهوش و متحیر شدند» (همان: ۴۵۲).

قزوینی در روایتی دیگر از پیامبر (ص) نقل می‌کند که شیعه را «فرقه ناجیه» دانسته و با استناد به آیات قرآن (انفال: ۷۴) و حدیث «یا علی أنت و شیعتک هم الفائزون»، نجات در آخرت را در پیروی از شیعه می‌داند (همان: ۶۳۹). بینش شریعت‌مدارانه ثقفی و قزوینی در توصیف و تحلیل حوادث، معیاری دوگانه دارد: ارادت‌ورزی و تبعیت سیاسی. این معیارها شیعیان امامیه را به عنوان گروهی میانه‌رو و صلح‌طلب معرفی کرده است. درحقیقت، پیوند شریعت و حکومت در دیدگاه متفکران شیعه امامیه بر حاکمیت الهی و جانشینی پیامبران به عنوان «خلیفه‌الله» استوار است.

این متفکران حکومت الهی را ازلی و ابدی و حکومت‌های انسانی را وابسته به قدرت الهی می‌دانند. آنان به تحلیل وقایع تاریخی و علل مسائل سیاسی پرداخته و معتقدند حکومت

مشروع باید مطابق با شریعت باشد (تقفی، ۱۳۹۵: ۱/۳۱۳؛ قزوینی، ۱۳۵۸: ۱۸۶). آن‌ها بر مشروعیت حکومت ائمه (ع) و لزوم تطابق آن با شریعت تأکید دارند و اطاعت از فرمان‌های خلاف شرع را جایز نمی‌دانند (لمتون، ۱۳۸۵: ۸۳-۸۲).

۲. نگرش برون‌دینی و اصل حاشیه‌رانی

نگرش برون‌دینی و حاشیه‌رانی در تاریخ شیعه امامیه، به‌ویژه در آثار تقفی و قزوینی، در قالب «دیالوگ چندفرهنگی»، «انتقادهای دینی» و به «حاشیه‌راندن مخالفان و ملحدان» نمایان می‌شود. این دیالوگ به فرصتی برای ابراز عقاید گروه‌های مخالف شیعه اشاره دارد، اما مسیر صحیح براساس هویت شیعی تعریف می‌شود. نقد عقاید دیگر ادیان و گروه‌ها، به‌ویژه در قبال خلفای اموی، اسماعیلیان و قرامطه، با استفاده از معیارهای دینی و عقلانی صورت می‌گیرد تا آموزه‌های شیعی اثبات شود.

تقفی و قزوینی با دیدگاه دین‌باورانه، جدال‌های معرفتی را نکوهش کرده و با نقد باورهای نادرست، تاریخ و مصالح جهانی را بررسی کرده‌اند. آثار آنان مبتنی بر ارزش‌داوری‌های دین‌دارانه است و دیالوگ چندفرهنگی را از طریق نقد ادیان و گروه‌های مختلف نشان می‌دهند. به‌عنوان نمونه ابوهلال با تأکید بر دو قطبی حق و باطل، دوگانگی امام علی (ع) و معاویه، کوفه و شام، عدم اطاعت کوفیان از امام و دنیاپرستی کوفیان این دیالوگ چندفرهنگی را شکل می‌دهد. توصیف آشوب‌های معاویه و خشونت یارانش نظیر معاویه بن حدیج، عمرو عاص، ضحاک بن قیس، غامدی، یزید بن شجره و بسر بن ابی‌ارطاه بازتابی از الگوی رفتاری انسان را در رأس قدرت سیاسی انعکاس می‌دهد که دارای گرایش‌های قدرت‌طلبی، دروغ‌گویی و عوام‌فریبی، سرکوب را ابزار حکومت‌داری می‌دانند و از نظر ابوهلال محکوم است (تقفی، ۱۳۹۵: ۶۲۱ و ۲/۵۹۴ و ۱/۴۴).

هم‌سوی با این امر، اندیشه‌های امام علی (ع) الهام‌بخش عالمان و گروه‌های مذهبی زمان تقفی کوفی بود. ابراهیم بن عیسی با زهدگرایی، ابومسعود احمد بن فرات با حدیث‌گرایی (ابونعیم اصفهانی، ۱۹۳۴: ۴/۵۳ و ۱/۸۲)، ابو عیسی وراق، ایرانی تبار و ساکن بغداد، با عقل‌گرایی (نجاشی، ۱۴۱۶: ۳۷۲) و ابن‌راوندی با نقد معتزله (میرزایی، ۱۳۹۳: ۱۲۶) از آموزه‌های امام دفاع کردند. ابن‌قبة رازی نیز با مناظرات علمی جایگاه امامت را تبیین کرد (همو، ۱۳۹۷: ۱۳۲). این رویکردها به تداوم اندیشه‌های شیعه و تثبیت جایگاه امام علی (ع) انجامید. در مقابل عبدالجلیل قزوینی نیز با توجه به شرایط عصرش اسماعیلیان را «ملحد» می‌خواند و با استناد به آیات قرآن (فصلت: ۴۰؛ اعراف: ۱۸۰) انحرافات عقیدتی آن‌ها را توضیح می‌دهد (قزوینی،

۲۹۲ / واکاوی نگرش انسان‌شناسی دینی در متون تاریخی ثقفی کوفی و قزوینی رازی / نظری ایلخانی آبادی و ...

۱۳۵۸: ۴۶۳؛ بنابراین، عبدالجلیل با استفاده از تاریخ، جایگاه شیعیان در دربار خلافت و سلجوقیان برجسته کرده و تأثیر آن‌ها در مقابله با اسماعیلیان را نشان می‌دهد تا طعن‌های علیه شیعیان را به سوی اسماعیلیان معطوف و این گروه را به حاشیه برانند (همان: ۲۹۷ و ۱۰۶ و ۶۱ و ۶۰ و ۵۰ و ۴۸ و ۴۶).

این مطلب را می‌توان به‌عنوان یک دیالوگ چندفرهنگی تفسیر کرد که در آن گروه‌های مختلف مذهبی نظرات متفاوتی، مانند واجب بودن نماز جمعه، ابراز می‌کنند در نهایت، عقیده شیعه که نماز جمعه با حضور حداقل هفت نفر واجب است، به‌عنوان صحیح‌ترین عقیده معرفی می‌شود: «به مذهب اهل‌بیت علیهم‌السلام چنان است که چون هفت شخص باشند نماز آدینه واجب باشد» (همان: ۳۹۴).

از سوی دیگر، در متن *التقص*، خواجه نظام‌الملک و عبدالجلیل قزوینی برای تقویت ایدئولوژی‌های ایرانی در برابر خلافت عباسی تلاش کردند. خواجه بر اتحاد حنفیان، شافعیان و شیعیان عقل‌گرا تأکید داشت، درحالی‌که عبدالجلیل بر هم‌افزایی این گروه‌ها در حمایت از هویت شیعی تأکید می‌کرد (همان: ۴۲۷). شیخ عبدالجلیل اهل سنت را براساس دوستداری اهل‌بیت گروه‌بندی می‌کند و حنفیان و شافعیان را که در شهرهای سنی‌نشین مانند اصفهان، بغداد، همدان و ری مراسم عاشورا برگزار می‌کنند، از دوستداران اهل‌بیت می‌داند (همان: ۱۳۵۸: ۴۵۸ و ۴۵۵ و ۴۰۶ و ۴۰۲ و ۳۷۳ و ۳۷۰ و ۲۳۶ و ۱۶۰ و ۱۵۸).

به نظر می‌رسد ابن‌هبیره، وزیر حنبلی مذهب عباسی، تلاش می‌کرد اتحاد این سه مذهب ایرانی را از بین ببرد. ایدئولوژی سنی-ایرانی خواجه نظام‌الملک بین ایدئولوژی سنی عباسی و شیعی عبدالجلیل قرار دارد. در *التقص* تمجید از سلاطین سلجوقی و گفتمان سنی حاکم مشهود است، چنان‌که در عباراتی مانند «باری‌تعالی سلاطین آل سلجوق را غریق رحمت گرداند» (همان: ۱۶) و «سلطنت به فرخی به آل سلجوق افتاد» (همان: ۵۸) دیده می‌شود. این تفاوت‌های گاه‌فقهی و گاه‌نظری نشان‌دهنده تنوع مذهبی و تأکید بر صحت عقیده شیعه و ضرورت تقریب مذاهب، انتقاد و رد اندیشه متعارض با شیعه است. ثقفی و قزوینی صحت روایات اقوام و شرایع دیگر را مشروط به عدم تعارض با نص قرآن دانسته‌اند.

اندیشه تکامل تاریخی

اندیشه تکامل تاریخی در گفتمان دینی به این معناست که انسان از تاریخ به‌عنوان ابزاری برای شکل‌دادن به زندگی خود استفاده می‌کند و زندگی همان تاریخ است که ادامه یافته است (رادمنش، ۱۳۸۷: ۲۸-۳۲). متفکران شیعه امامی حرکت تاریخ را خطی و در مسیر ترقی

تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری، سال ۳۳، شماره ۳۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۲ / ۲۹۳

اخلاقی، دنیوی و دینی می‌بینند و بر نقش عوامل پیش‌برنده تمدن، مانند عدالت و مقابله با اشرافیت، تأکید دارند (قزوینی، ۱۳۵۸: ۳۱۵؛ ثقفی، ۱۳۹۵: ۱/۳۱۴ و ۲۴). این اندیشه با ظهور مهدی(عج) به اوج می‌رسد. قزوینی نیز به دفاع از اسناد تاریخی تولد و غیبت حجه‌بن‌الحسن(ع) پرداخته است (قزوینی، ۱۳۵۸: ۲۹-۲۸؛ مسعودی، ۱۴۰۴: ۲/۵۹۸؛ مفید، ۱۳۹۶: ۲/۴۹۷). ثقفی و قزوینی بر تکامل شرایع و اهمیت رعایت احکام اسلامی، مانند نماز و زکات، تأکید داشته و اسلام را دینی تکامل‌یافته برای تعالی تمدن‌ها می‌دانند (ثقفی، ۱۳۹۵: مقدمه و ۶۵: قزوینی، ۱۳۵۸: ۲۱۵-۲۱۶ و ۲۱۱).

اندیشمندان شیعه امامی تکامل تاریخ را از ظهور پیامبران اولوالعزم تا اسلام می‌دانند که با قرآن به سوی آینده هدایت می‌شود. پیام‌های قرآن ابتدا محدود به اقوام خاص بود، اما به تدریج جهانی‌تر شد و از خطاب‌های عمومی مانند «يَا أَيُّهَا النَّاسُ» استفاده می‌کند که بر عبرت از گذشته و خردورزی تأکید دارد (ثقفی، ۱۳۹۵: ۲/۹۱۹). این اندیشه در زمینه قیام‌ها و مبارزات علیه ظلم و ستم، همچون قیام امام حسین(ع)، جایگاه ویژه‌ای دارد. این اندیشه بر پایه اعتقاد به پیروزی نهایی حق بر باطل و برقراری عدالت جهانی استوار است. قیام امام حسین(ع) و قیام‌های پس از آن، مانند قیام مختار (همان: ۲/ ۵۱۷ و ۱/ ۳۰۸؛ قزوینی، ۱۳۵۸: ۳-۳۷۱). نمونه‌های بارزی از این مبارزات هستند که در تاریخ شیعه امامی به‌عنوان نمادهای مقاومت و تلاش برای عدالت شناخته می‌شوند.

در دوره پیشامغولی (قرون سوم و ششم هجری)، مفهوم انسان کامل و نجات‌بخش در تاریخ، کلام، ادبیات و عرفان اسلامی مطرح شد و پیامبر(ص) و امامان(ع) به‌عنوان الگوهای کامل شناخته می‌شدند. این رویکرد پس از حمله مغول نیز در تاریخ‌نگاری ادامه یافت (برلین، ۱۳۸۱: ۱۸۰). فراروایت نجات‌بخشی، گفتمان «سفر انسان در دنیا» را شکل می‌دهد و قادر است حوزه‌های مختلف علوم انسانی از جمله تاریخ و اجتماع را به هم پیوند دهد (شیمل، ۱۳۷۴: ۳۱۷؛ کربن، ۱۳۸۹: ۹۳؛ ماسینیون، ۱۳۹۰: ۱/۴۵؛ فرمینی فراهانی، ۱۳۸۹: ۲۸۵). از سوی دیگر، در اهل‌بیت‌نگاری شیعیان، رویکردی ترکیبی و فراترکیبی مشهود است (حضرتی، ۱۴۰۱: ۷۵-۷۴).

درواقع، روایات ترکیبی درباره فضایل ائمه، جایگاه امامان را برجسته ساخته است؛ مانند تصرف قلعه و کنده‌شدن در خیبر به دست امام علی(ع). از قرن سوم به بعد نیز دلایل‌نگاری و معجزه‌نگاری پیامبر(ص) در آثار نخبگانی همچون بیهقی، ابوحاتم رازی و ابونعیم اصفهانی به‌ضرورت شرایط عصر رایج شد (احمدزاده، کوهی، ۱۴۰۱: ۱۴-۲۹). فراروایت نجات در گفتمان اسلامی به «انسان کامل» و «سفر معنوی» اشاره دارد که مظهر کمال الهی است (نسفی،

۲۹۴ / واکاوی نگرش انسان‌شناسی دینی در متون تاریخی ثقفی کوفی و قزوینی رازی / نظری ایلخانی آبادی و ...

۱۳۷۹: ۵-۴). تأکید بر توازن ظاهر و باطن انسان کامل نیز مطرح است (شیمل، ۱۳۸۳: ۳۱۹). حدیث پیامبر(ص) «مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ فَقَدْ عَرَفَ رَبَّهُ» بر ارتباط خودشناسی و خداشناسی تأکید دارد.

در گفتمان اسلامی، فراروایت نجات محور دین و عرفان است، جایی که غزالی در *المتقن* من الضلال راه نجات را رسیدن به امر قدسی می‌داند (انوری، ۱۳۸۱: ۵۰۰۰). استعاره «سفر» و مفاهیم «انسان کامل» و «سفر معنوی» در گفتمان شیعی به‌عنوان هدف نهایی کمال انسانی و تربیت انسان‌های شایسته در نظر گرفته می‌شود. هم‌سوی با این امر، انسان‌شناسی دینی شاخه‌ای از علوم انسانی است که به تحلیل باورها، متون مقدس و آموزه‌های کلامی درباره سرشت و جایگاه انسان می‌پردازد. در سنت شیعی، این نگرش علاوه بر بررسی انسان به‌عنوان موجود دینی، روایت‌های تاریخی و شخصیت‌های برجسته را مورد نقد و تحلیل قرار می‌دهد.

در آثار ثقفی کوفی و قزوینی رازی، مفهوم انسان از منظر دینی بررسی شده و جایگاه او در تحقق عدالت اجتماعی و ارتباط با تعالیم دینی برجسته می‌شود؛ بنابراین متفکران شیعه امامی مانند ثقفی، با تأکید بر ویژگی‌های انسان کامل، سفارش‌های امام علی(ع) را در موضوع‌هایی چون پرهیز از سوگند دروغ (ثقفی، ۱۳۹۵: ۱۱۰/۱ و ۱۰۵)، خودداری از کم‌فروشی (همان: ۱/۱۱۲)، انفاق در راه خدا (همان: ۷۶-۷۷)، ستایش خداوند (همان: ۱۵۶-۱۵۹/۱)، خواندن نماز در وقت آن (همان: ۶۲۵-۶۳۴/۲)، فضیلت جهاد (همان: ۲/۴۷۵) و اهمیت دانش (همان: ۱۵۱/۱-۱۴۹) برجسته می‌کنند.

این روایات امام را الگویی تمدن‌ساز و دین‌محور معرفی کرده و امکان مقایسه ویژگی‌های او با معاویه را فراهم می‌آورند. شاهد این توصیه‌ها، سفارش امام علی(ع) است: «از دنیا دوری کنید و دین خود را با نماز، زکات، صله رحم و دستگیری از مستمندان استوار کنید.» (همان: ۲/۶۳۵). ساده‌زیستی امام نیز بارز است؛ مانند مصرف غذای ساده و پرهیز از غربال کردن آرد که مطابق سیره پیامبر(ص) بود (همان: ۸۵-۱/۸۸).

متفکران شیعه فضایل ائمه(ع) را در کمالات بدنی و نفسانی مانند شجاعت و سخاوت از طریق احادیث و تاریخ اثبات می‌کنند. روایت ثقفی و قزوینی بر افضلیت حضرت علی(ع) با تأکید بر نص الهی و وصایت پیامبر(ص) اشاره دارد (همان: ۱/۲۰۰-۱۹۹؛ قزوینی، ۱۳۵۸: ۲۵۹). ثقفی به سابقه اسلام و حقانیت رهبری خاندان پیامبر(ص) کمتر پرداخته، اما گزارش‌هایش به تثبیت افضلیت ائمه(ع) کمک کرده است (ثقفی، ۱۳۹۵: ۱/۲۰۰-۱۹۶). در عین حال قزوینی عقل را ابزار کلیدی در اثبات امامت امام علی(ع) می‌داند و با استناد به قرآن بر حقانیت شیعه تأکید می‌کند (قزوینی، ۱۳۵۸: ۲۵۹؛ هالم، ۱۳۸۹: ۱۰۶). در نتیجه متون تاریخی

شیعه، امام علی(ع) را الگوی تربیتی برتر دانسته و تبلیغ تشیع از نگاه اقشار مختلف جامعه را وظیفه‌ای محتموم می‌داند (صفا، ۱۳۷۸: ۱/۶۲۲ و ۵). علی‌نامه ابن‌ربیع در سده پنجم نیز این باور را تقویت می‌کند (ابن‌ربیع، ۱۳۸۸: ۵). این پژوهش دیدگاه تاریخی ثقفی کوفی و قزوینی رازی را در زمینه انسان‌شناسی دینی بررسی کرده است.

۱. الگوی افضلیت و تعهد

در تحلیل انسان‌شناسی دینی در روایت ثقفی و قزوینی، امام علی(ع) به‌عنوان انسان کامل و تجسم کمال الهی معرفی می‌شود. ثقفی از حدیث «هر که از من جدا شد، از خدا جدا شده و هر که از علی جدا شد، از من جدا شده» استفاده می‌کند تا ارتباط امام علی(ع) با پیامبر(ص) و پیوند وثیق انسان کامل با حقیقت الهی را نشان دهد (ثقفی، ۱۳۹۵: ۲/۵۲۱). این ارتباط در دیدگاه انسان‌شناسی دینی نمادی از اتحاد انسان کامل با کمال الهی است. در روایت ثقفی، امام علی(ع) نمونه‌ای از انسان کامل است که سیاست را وسیله‌ای برای تحقق عدالت و حقیقت می‌داند.

این نگاه در تقابل با شخصیت‌هایی چون معاویه و ابن‌حزرمی قرار می‌گیرد که از زبان دینی برای تحکیم قدرت استفاده می‌کنند. معاویه در مکاتبات خود با عباراتی چون «سفک الدماء بغیر حلها» قتل عثمان را جنایتی دینی جلوه می‌دهد تا احساس مسئولیت در مخاطبان ایجاد کند (همان: ۲/۳۸۳). این تقابل نشان می‌دهد که در سیاست اسلامی دو رویکرد متفاوت به انسان وجود دارد: یکی بر عدالت و مسئولیت دینی تأکید دارد و دیگری از دین برای مشروعیت‌بخشی به قدرت بهره می‌برد. امام علی(ع) در این میان، نماد تعهد به اصول الهی و کمال انسانی است که حکومت را نه هدف، بلکه وسیله‌ای برای اجرای عدالت می‌داند.

در مجلس معاویه، امام علی(ع) با عناوینی چون «سید عرب، امام امت، اعلم، اجمل، افضل، اکمل و احکم» معرفی می‌شود (همان: ۲/۵۴۹). این ویژگی‌ها نشانه‌های کمال انسانیت و سیرت الهی امام علی(ع) و الهام‌بخش برای پیروان او در مسیر رشد روحی و اخلاقی است. از دیدگاه قزوینی در روایتی بر این امر نقل می‌کند: «من و احمد پیامبر از یک نور هستیم» (قزوینی، ۱۳۵۸: ۶۰۰-۶۰۱). این عبارت نمادین، هویت معنوی امام علی(ع) را به‌عنوان انسان دینی و پایبند به اصول در اسلام نشان می‌دهد. همچنین، حدیث «أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَعَلِيٌّ بَابُهَا» (همان: ۴۷۲).

افضیلت علمی امام علی(ع) را به‌عنوان مولفه انسان کامل معرفی می‌کند، جایی که علم و تقوا در شخصیت او تجلی یافته و پیوند میان علم و دین را نمایان می‌سازد. عبدالجلیل قزوینی

با استناد به آیه «بَلِّغْ مَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ» (مائده: ۶۷) تأکید دارد که امامت براساس نص و عصمت است، نه ویژگی‌های ظاهری مانند سبقت در اسلام یا فتوحات (قزوینی، ۱۳۵۸: ۱۱۰-۱۰۹). این دیدگاه بر برگزیدگی و کمال انسانی امام علی(ع) در هدایت تأکید دارد. همچنین، ابن سعد و طبری او را نخستین مرد مسلمان می‌دانند (ابن سعد، ۱۴۱۰: ۳/۱۵؛ طبری، ۱۳۸۷: ۲/۳۱۰). این موضوع در آثار علمای شیعه نیز اثبات شده است (مفید، ۱۳۹۶: ۱۹؛ کراجکی، بی تا: ۳۰۵-۱/۳۱۱). عبدالجلیل باتکیه بر این گزارش‌های تاریخی، امام علی(ع) را «جان‌فدای پیامبر(ص)» معرفی کرده و ماجرای ليله‌المبیت را نمونه‌ای از فداکاری‌های بی نظیر او می‌داند (قزوینی، ۱۳۵۸: ۱۸۲).

۲. الگوی شجاعت

هویت دینی مسلمانان بر پایه شناختی، ارزشی و احساسی شکل می‌گیرد و امام علی(ع) تجسم عدالت و شجاعت برای پیروان شیعه است. از طرفی، منازعه گفتاری به تضاد میان گفتمان‌ها اشاره دارد که هرکدام مفاهیم خاص خود را تحمیل می‌کنند. در گفتمان شیعی، امام علی(ع) به‌عنوان انسان کامل، دینی الگویی برای سایر افراد شناخته می‌شود، اما دیگر گفتمان‌ها او را به‌طور متفاوتی تفسیر می‌کنند (LACLAU & MOUFFE, 1985:112). در عین حال، برخی گروه‌ها به‌جای تأکید بر عصمت امام، بر عصمت امت تأکید دارند (ویر، ۱۳۷۱؛ ولوی، ۱۳۸۰). ثقفی بر شجاعت امام در جنگ‌ها تأکید کرده و پیروزی در جنگ جمل را اقدامی استراتژیک برای وحدت مسلمانان دانسته است (دینوری، ۱۹۶۰: ۱۴۵). پس از آن، امام علی(ع)، ابوموسی اشعری را عزل کرده و قرظ بن کعب را والی کوفه کرد (مسعودی، ۱۴۰۴: ۲/۳۹۵). انتقال خلافت به کوفه تصمیمی استراتژیک برای مقابله با معاویه بود. سپس، جریر بن عبدالله بجلی را برای دعوت معاویه به بیعت فرستاد، اما معاویه نپذیرفت و جنگ صفین آغاز شد (یعقوبی، ۲/۱۸۴؛ مسعودی، ۱۴۰۴: ۲/۳۷۲). پذیرش حکمیت در جنگ صفین باعث تفرقه در سپاه امام علی(ع) و ظهور خوارج شد. سخنان امام پس از جنگ نهروان نشان‌دهنده نارضایتی از ناپایداری مردم کوفه است (ثقفی، ۱۳۹۵: ۱/۲۷؛ نعمتی، ۱۳۹۱: ۴۴).

قزوینی با استناد به روایت‌های تاریخی، شجاعت امام علی(ع) را در برابر شخصیت‌هایی چون خالد بن ولید، زبیر، عکرمه و عمرو معدی کرب ناشی از ناصبی‌گری می‌داند و تأکید می‌کند که امام در جنگ‌های بدر و احد پیش‌تاز بود (قزوینی، ۱۳۵۸: ۱۷۸). شجاعت و مبارزه امام علی(ع) با ظلم، همچنان به‌عنوان یک الگوی الهام‌بخش برای پیروان اهل بیت(ع) و انسان‌های جویای عدالت و کمال شناخته می‌شود. این پیش‌تازی به‌ویژه در جنگ احد اهمیت زیادی دارد،

تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگاری، سال ۳۳، شماره ۳۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۲ / ۲۹۷

جایی که امام علی (ع) تنها کسی بود که در کنار پیامبر (ص) باقی ماند و در دفاع از اسلام شجاعت بی‌نظیری از خود نشان داد (همان: ۳۸۶-۳۸۷؛ طبری، ۱۳۸۷ / ۲). قزوینی همچنین به حدیث معروفی اشاره می‌کند که جبرئیل در روز جنگ ندا داد: «لَا فَتَىٰ إِلَّا عَلِيٌّ، لَأَ سَيْفٌ إِلَّا ذُو الْقَعَارِ» که این جمله برتری شجاعت امام علی (ع) را تأکید می‌کند (قزوینی، ۱۳۵۸: ۶۱).

قزوینی شجاعت امام علی (ع) در جنگ‌های خندق، خیبر و فتح مکه را برجسته می‌کند و می‌نویسد که امام علی (ع) با درایت و شجاعت خود در این جنگ‌ها، هیبت خاصی به دل‌ها انداخت (همان: ۱۸۴ و ۱۸۲؛ یعقوبی، بی‌تا: ۱/۴۱۵). قزوینی همچنین به دشمنی امویان با امام علی (ع) اشاره کرده و بیان می‌کند که این دشمنی پس از شهادت امام نیز ادامه داشت و از هر فرصتی برای لعن و هتک حرمت امام علی (ع) استفاده می‌کردند. قزوینی در این زمینه می‌نویسد: «منقبت علی مرتضی نیز جان و خواردیده‌ی خارجیان است» (قزوینی، ۱۳۵۸: ۷۴). در کتاب *التقصص* به فعالیت‌های تبلیغی امامیه و حضور مناقب‌خوانان در بازارها و میان مردم اشاره شده است که معجزات و فضایل اهل بیت، به‌ویژه امام علی (ع)، را ذکر می‌کردند: «منقبت امیرالمؤمنین، بقیعت صحابه و خلفای اسلام و غازیان دین...» (همان: ۵-۶۴).

این تبلیغات که در آن‌ها شجاعت امام علی (ع) مانند شکستن دروازه خیبر با یک دست مطرح می‌شد (همان: ۶۶)، نقش مهمی در شکل‌دهی به هویت اجتماعی امامیه ایفا کرد. از منظر انسان‌شناسی دینی، این فعالیت‌ها به تقویت مفهوم انسان کامل کمک می‌کرد، زیرا بر ویژگی‌های فوق‌العاده‌ای تأکید داشتند که به اهل بیت و به‌ویژه امام علی (ع) نسبت داده می‌شد که این خود نماد حقیقتی برتر از دنیای مادی است. قزوینی همچنین به یکی از وقایع تاریخی دوران مروانیان اشاره می‌کند و می‌نویسد که آن‌ها به مدت هزار ماه و پنجاه ماه، امام علی (ع) را در منابر و منارها لعن می‌کردند (همان: ۱۶۳).

وی حتی به جنگ امام علی (ع) با جنیان اشاره کرده و آن را شبیه به حضور جبرئیل در جنگ بدر می‌داند (همان: ۸۱-۸۰). بررسی‌ها نشان می‌دهد شجاعت امام علی (ع) به‌عنوان الگوی انسان کامل، از طریق مبارزات علیه فساد، الهام‌بخش قیام‌های حق‌خواهانه و ظلم‌ستیزی بوده و هویت دینی و اجتماعی شیعیان را با ترویج مفاهیم شجاعت تقویت می‌کند.

۳. الگوی علم و حکمت

علم امام علی (ع) در حقیقت نمادی از دانایی و حکمت است که پیروان شیعه نیز در تلاش برای کسب آن هستند. این علم به‌عنوان ابزار تربیتی و معنوی در بسط انسان کامل و تحقق

اهداف الهی در تاریخ اسلام مطرح می‌شود. علم امام علی(ع) در متون تاریخی، به‌ویژه در اثر ثقفی، به‌وضوح و برجسته تصویر شده است. نمونه‌ای از این علم زمانی است که معاویه نتوانست به سؤالات صاحب رم پاسخ دهد و پیک به امام علی(ع) فرستاد که ایشان پاسخ درست را دادند (ثقفی، ۱۳۹۶: ۱۸۷-۱۸۹). این نشان‌دهنده گستردگی علم امام علی(ع) است که شامل جنبه‌های دینی، اجتماعی، فلسفی و طبیعی می‌شود.

همچنین ثقفی نقل می‌کند که پس از شهادت محمدبن‌ابی‌بکر و فتح مصر، عمروعاص نامه‌های امام علی(ع) به محمدبن‌ابی‌بکر را به معاویه فرستاد و معاویه گفت: «به خدا سوگند، من دانشی نشنیده‌ام که از آن جامع‌تر، محکم‌تر و روشن‌تر باشد» (همان: ۱/۲۵۱). این نقل‌قول‌ها نه تنها تأکید بر دانش امام علی(ع) دارند، بلکه نشان می‌دهند که علم ایشان از آگاهی الهی برخوردار است که حتی دشمنان نیز آن را تصدیق کرده‌اند.

از دیگر نمونه‌های بارز علم امام علی(ع) در کتاب ثقفی، می‌توان به قضاوت‌های ایشان در مورد مسائل روزمره‌ای که مردم با آن مواجه‌اند، اشاره کرد. به‌عنوان نمونه، امام علی(ع) در خصوص سهم ارث فرد خنثی و رفتار با زنان قضاوت‌هایی صحیح و دقیق ارائه می‌دهد (همان: ۱۹۳-۱/۱۹۴). این نوع قضاوت‌ها نشان‌دهنده عمق بصیرت امام علی(ع) در مسائل اجتماعی و دینی است که در واقع به انسان‌شناسی دینی و آموزش‌های انسانی در اسلام باز می‌گردد.

علم امام علی(ع) به‌طور خاص، در مسائل فقهی نیز نمود پیدا می‌کند، چراکه امام علی(ع) به سؤالات مختلف مردم در زمینه‌های فقهی پاسخ می‌دهد، از جمله در زمینه احکام شرعی (همان: ۲/۵۰۲ و ۲۵۰/۱ و ۲۴۴-۲۴۷ و ۲۳۱ و ۱۹۴ و ۱۹۰) معانی برخی آیات قرآن (همان: ۱/۱۸۲-۱۷۸) و اوصاف خداوند (همان: ۲/۴۰۳ و ۱/۱۹۵ و ۱۷۱-۱۷۶ و ۱۵۷ و ۱۴۷). این نشان‌دهنده گستردگی علم امام علی(ع) در زمینه‌های مختلف است که در راستای تحقق «انسان کامل» در اندیشه اسلامی قرار دارد. همچنین علم امام علی(ع) در زمینه‌های مختلف، از جمله پیش‌بینی وقایع آینده، نشان‌دهنده بصیرت و آگاهی الهی است. امام نه تنها به آینده اشاره می‌کنند؛ بلکه به مسائل علمی دشوار نیز پاسخ می‌دهند، از جمله پرسش‌هایی درباره ماه، کهکشان، قوس و قزح و فواصل آسمان و زمین (همان: ۲/۶۳۷ و ۴۸۳ و ۴۵۸ و ۱/۱۹۵ و ۱۹۲ و ۱۷۹-۱۸۰ و ۱۳). این نوع علم، هم در ابعاد علمی و هم در ابعاد فلسفی و معنوی، بخشی از کمال علمی امام علی(ع) است.

نمونه‌های متعدد نشان می‌دهد که علم امام علی(ع) هم در مسائل دینی و فقهی و هم در حوزه‌های علمی و آینده‌نگری برجسته بوده است. این علم شامل هر دو دسته علم موروثی و

الهامی است، همان‌طور که تقفی به آن اشاره کرده است. علاوه بر این، شهرت ایشان در سادگی نیز ذکر شده است. در مقابل، عبدالجلیل قزوینی نیز بر تسلط امام علی (ع) بر علوم دینی تأکید کرده و او را به احکام تورات، انجیل و زبور آشنا دانسته است (قزوینی، ۱۳۵۸: ۱۸۶). وی همچنین علم گسترده امام را از دلایل عدم حضور در فتوحات خلفای راشدین می‌داند (همان: ۳۱۶؛ دینوری، ۱۹۶۰: ۱۴۴؛ ابن‌اعثم، ۱۴۱۱: ۱/۸۱).

شیخ عبدالجلیل با نسبت دادن صفت علم به گروه‌ها و افراد شیعی و با تأمل در رفتار نظام‌الملک نسبت به علما و بزرگان شیعه، بر ویژگی‌های اخلاقی و انسانی آنان که هم‌راستا با آموزه‌های امام علی (ع) است، تأکید می‌کند. او به نحوه برخورد نظام‌الملک با بزرگان شیعه اشاره می‌کند و عطایای بسیاری که به آن‌ها داده است: «هر یک از این جماعت از نظام‌الملک عطایای بسیار وصلت‌های عظیم ستده‌اند و علم و امانت و زهد و ورع شمس‌الاسلام حسکا بابویه همه طوایف اسلام را معلوم است» (قزوینی، ۱۳۵۸: ۹۰).

قزوینی همچنین به نقش برجسته نخبگان شیعه در قدرت و سیاست اشاره کرده و ویژگی‌های علم، عدالت و تقوا را که در آموزه‌های امام علی (ع) برجسته است، در آن‌ها به نمایش می‌گذارد. برای مثال، صاحب‌بن‌عباد به علم و تقوا شناخته می‌شد (همان: ۹۰). این نخبگان مانند اشعریان قم و نوبختیان در گسترش علم و فقه شیعی و توسعه فرهنگ اسلامی نقش مهمی داشتند و با رعایت اصولی چون عدالت‌خواهی و علم‌گرایی، به تحقق ویژگی‌های انسان کامل در زندگی اجتماعی و حکومتی پرداخته‌اند (همان: ۱۹۴).

قزوینی به نقش برجسته خاندان بابویه، به‌ویژه شیخ صدوق، در گسترش علم و فقه شیعی و پایبندی این خاندان به اصول انسانی امام علی (ع) مانند علم، تقوا و عدالت اشاره می‌کند (همان: ۱۴۴). او همچنین با اشاره به نخبگان فرهنگی شیعه مانند ابوذر، سلمان و عمار، تأکید می‌کند که این افراد در دوران هر امامی محترم و معتبر بودند و به لقب‌های علمی شیعیان مانند «علم‌الهدی» و «ذوالمجدین» اشاره می‌کند تا مقام علمی آنان را نشان دهد (همان: ۲۳۳ و ۱۴۴ و ۳۳ و ۳۲).

قزوینی اشاره می‌کند که شیعه بودن تنها دلالت بر امامت ندارد و امام باید معصوم و منصوص از جانب خداوند باشد (همان: ۶۰۱). او همچنین تأکید دارد که امام علی (ع) و فرزندان او به‌عنوان امامان منصوب الهی شناخته می‌شوند و تمامی دین و شریعت برگرفته از نصوص است، نه رأی و قیاس اجتهاد (همان: ۶۳۲ و ۵۷۳). این مباحث نشان‌دهنده گستردگی الگوی علمی امام علی (ع) است که در ابعاد مختلف زندگی و اندیشه شیعه جلوه‌گر می‌شود.

انسان کامل و تقدیرگرایی

تقدیرگرایی یکی از ابعاد مهم بینش اندیشمندان شیعه امامی از جمله ثقفی و قزوینی رازی است که در پیوند با انسان کامل و نگرش تربیتی آنان شکل گرفته است. این رویکرد که ریشه در قرن اول هجری دارد (مشکور، ۱۳۸۵: ۴۴) به تبیین رابطه میان اراده الهی و اختیار انسانی می‌پردازد. تقدیرگرایی در باور شیعه، انسان‌ها را مسئول اعمال خود در چهارچوب اراده الهی می‌داند. در شیعه امامیه، قضا و قدر به دو نوع حتمی (اراده قطعی الهی) و مشروط (اختیار انسانی در طول اراده خداوند) تقسیم شده و برای توضیح دیدگاه شیعه درباره جبر و اختیار از نظریه «امر بین الامرین» استفاده می‌شود (حلی، ۱۴۳۷: ۷۰؛ برنجکار، ۱۴۰۲: ۶۹).

این نظریه در اثر ثقفی کوفی و قزوینی رازی به طور گسترده‌ای مطرح و مورد بحث قرار گرفته است. ثقفی در *الغارات* انسان‌شناسی دینی را در بستر سیاست اسلامی نشان می‌دهد. او انسان را موجودی مقید به اصول دینی و اخلاقی ترسیم می‌کند که در تصمیم‌گیری‌های سیاسی تحت تأثیر قدرت و شرایط اجتماعی است. در روایت قیس بن سعد و مسلم بن مخلد، دو رویکرد در انسان‌شناسی دینی نمایان می‌شود: یکی مبتنی بر اخلاق و پرهیز از خشونت و دیگری بر انتقام‌جویی (ثقفی، ۱۳۹۵: ۲/۳۷۶). در مکاتبات معاویه، زبان دینی برای مشروعیت‌بخشی به قدرت به کار می‌رود. او با عباراتی چون سفک الدماء بغیر حلها قتل عثمان را جنایتی دینی جلوه می‌دهد تا احساس مسئولیت در مخاطبان برانگیزد (همان: ۳۸۳/۲).

همچنین، با استعاره‌هایی مانند طفنت النائرة خود را نیرویی برای پایان دادن به فتنه معرفی می‌کند (همان: ۲/۳۸۵). در مقابل، ابن‌حزرمی با سوگندها و تهدیدات نظامی، بر قدرت و ارباب تأکید دارد (همان: ۲/۳۸۷). ثقفی در روایتی دیگر، زمانی که بسربن‌ابی‌ارطاه به نزد معاویه رفت و گفت: «ای امیر مؤمنین، با این قشون رفتم و دشمن تو را در رفت و برگشت کشتم و یکی از مردان ما لغزیدن نداشت»، معاویه در پاسخ گفت: «خدا این کار را کرد نه تو» (همان: ۲/۶۳۹). استفاده از عقیده جبر برای پیشبرد اهداف، روش رایج امویان بود.

این تقابل‌ها نشان می‌دهد که در این دوره، انسان نه تنها کنشگر سیاسی، بلکه تابع ارزش‌های دینی و الزامات اجتماعی نیز بوده است، اما در تقدیرگرایی شیعه امامی، تأکید بر نبوت و آزمایش الهی وجود دارد، به طوری که انسان‌ها برای آزمایش و امتحان خلق شده‌اند و مشکلات جهان به عنوان نتیجه اعمال ناقص انسان‌ها تفسیر می‌شود؛ از این رو، انسان‌ها می‌توانند با اعمال نیکو و تهذیب نفس به کمال انسانی دست یابند.

متفکران شیعه امامی مانند ثقفی کوفی و قزوینی رازی دو فایده اصلی برای نگارش تاریخی آورده‌اند: ۱. فایده دنیوی: تاریخ ابزاری برای کشف حقیقت و تصمیم‌گیری عقلانی در زندگی فردی و اجتماعی است؛ ۲. فایده اخروی: نگارش تاریخی ابزاری برای تأکید بر تکامل معنوی

تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری، سال ۳۳، شماره ۳۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۲ / ۳۰۱

و اخلاقی انسان‌ها در نظر گرفته می‌شود. همچنین، عقل در تحلیل وقایع تاریخی اهمیت زیادی دارد و به‌عنوان معیاری برای صحت وقایع و تحلیل علل حوادث استفاده می‌شود (همان: ۶۰۵/۲؛ قزوینی، ۱۳۵۸: ۲۶۱).

همچنین قزوینی در روایتی آورده است: «اگر خدای تعالی خواهد که به جبر درو آفریند تواند؛ اما نخواهد و خواهد که بنده به کسب و اختیار فعل خویش مؤمن و مطیع باشد» (همان: ۴۹۹). در نگارش تاریخی شیعه امامی، تاریخ را نه تنها گزارشی از وقایع، بلکه به‌عنوان زمینه‌ای برای تحلیل، انتقاد و اصلاح جامعه و تربیت انسان‌ها می‌بینند. در آثار ثقفی و قزوینی، تاریخ به‌عنوان عرصه‌ای برای نقد اجتماعی و بررسی علل فساد انسانی مطرح است. تحلیل‌ها براساس معیارهای عقلانی و دینی است که انسان‌ها را به اصلاح و تکامل دعوت می‌کند. ثقفی و قزوینی بر جایگاه عقل در آفرینش و منزلت انسان تأکید دارند و آثار آنان خطاب به اهل فضل و علم نوشته شده است (ثقفی، ۱۳۹۵: ۲/۶۰۵؛ قزوینی، ۱۳۵۸: ۲۶۱). انسان‌شناسی دینی و تقدیرگرایی در آثار ثقفی و قزوینی به رابطه جبر و اختیار، اراده الهی و اختیار انسانی پرداخته و بر اهمیت تاریخ به‌عنوان ابزاری برای کشف حقیقت و اصلاح اجتماعی تأکید دارد. این رویکرد انسان را موجودی مختار و مسئول در چهارچوب مشیت الهی می‌داند.

جدول ۱. مقایسه رویکرد تاریخی ثقفی کوفی و قزوینی رازی

عناوین	ثقفی کوفی	عبدالجلیل قزوینی رازی
دوره تاریخی	قرن سوم هجری (دوران عباسی)	قرن ششم هجری (دوران سلجوقی)
هدف از روایتگری	تقویت هویت شیعی و ترویج عدالت‌خواهی	دفاع از هویت و باورهای شیعی در برابر انتقادات اهل تسنن
محور اصلی روایت‌ها	عدالت، زهد، شجاعت، حمایت از مظلوم و فضایل امام علی (ع) و اطاعت از امام	پاسخ به شبهات، تثبیت مشروعیت شیعه، تقریب مذاهب، تأکید بر فضایل امام علی (ع)
رویکرد نظری	تقابل خیر و شر، امام علی (ع) و معاویه	تقابل شیعه و سنی در فضای مذهبی و سیاسی
زمینه اجتماعی و سیاسی	نزاع شیعیان با امویان و عباسیان	چالش‌های مذهبی شیعه و سنی در ایران سلجوقی
کارکرد روایت‌ها	هویت‌سازی و مشروعیت‌بخشی به مذهب شیعه	استدلال و تثبیت باورهای شیعی در برابر چالش‌های فکری و سیاسی دیگر مذاهب می‌پردازد.

جدول ۲. دسته‌بندی انسان‌ها در زمان ثقفی کوفی و قزوینی رازی

دسته‌بندی	ثقفی کوفی	قزوینی رازی
انسان کامل (نماد حق و عدالت)	امامان و امام علی (ع)	امامان و امام علی (ع)
حاکمان و سیاست‌مداران	امام علی (ع) و معاویه	سلاطین سلجوقی ملک‌شاه، سلطان مسعود و..
کارگزاران حکومت	اموی: عمرو عاص، بسربن ابی‌ارطاه، ضحاک بن قیس، معاویه بن حدیج، یزید بن شجره علوی: مالک اشتر، اشرس بن حسان، بکری، قیس بن سعد، عباده و...	خواجه نظام‌الملک، وزیران عباسی (ابن هبیره)
عالمان و متفکران	ابوهلال ثقفی، عالمان اصفهان، ابراهیم بن عیسی، ابومسعود احمد بن فرات، ابو عیسی وراق، ابن قبه رازی	عبدالجلیل قزوینی، عالمان ری، خواجه نظام‌الملک
گروه‌های مذهبی	شیعیان، متکلمان کوفی، امویان، زیدیه، معتزلیان شیعه‌شده	شیعیان، اسماعیلیان، اهل سنت (حنفیان، شافعیان، حنبلیان)

نتیجه‌گیری

آثار ثقفی کوفی و قزوینی رازی تلاشی برای پیوند آموزه‌های دینی با تحلیل‌های تاریخی به‌شمار می‌آیند. این دو نویسنده، تاریخ را نه صرفاً گزارشی از رویدادها، بلکه ابزاری برای تبیین و ترویج اصول اعتقادی و تربیتی شیعه تلقی کرده‌اند. آنان با رویکردی دوگانه: درون‌دینی و برون‌دینی، به تحلیل جایگاه انسان در نظام الهی پرداخته و با بهره‌گیری از نظریه «الأمر بین الأمرین»، کوشیده‌اند رابطه میان جبر و اختیار را بازنمایی کنند. برخلاف نگرش‌های جبرگرایانه برخی مکاتب، این دیدگاه بر تعامل میان اراده الهی و مسئولیت انسان تأکید می‌ورزد و تاریخ را عرصه‌ای برای تحقق این تعامل می‌داند.

علاوه بر این، آنان فرهنگ‌سازی دینی و مقابله با انحرافات اعتقادی را هدف قرار داده‌اند. تأکید بر اصول شریعت‌مدارانه، اخلاق و عدالت در آثارشان بیانگر تلاش برای حفظ هویت دینی و مقابله با اندیشه‌های الحادی است. هر دو مؤلف، تاریخ را بستری برای معرفی انسان‌شناسی دینی دانسته و امام علی (ع) را به‌عنوان الگویی ممتاز در فضایل اخلاقی، عدالت

اجتماعی و آموزه‌های دینی معرفی کرده‌اند. خصوصیات امام علی(ع) مانند تعهد، افضلیت، شجاعت، مبارزه با ظلم و علم و حکمت، در باور مردم تا به امروز نیز به‌عنوان مصداق انسان کامل شناخته می‌شود. تقفی کوفی در قرن سوم هجری، در دوران خلافت عباسی، تاریخ‌نگاری خود را با هدف تقویت هویت شیعی و ترویج عدالت‌خواهی پیش برد. روایت‌های او بر عدالت، زهد، شجاعت و حمایت از مظلوم متمرکز بود و تحلیل‌های تاریخی‌اش تقابل خیر و شر، به‌ویژه تقابل امام علی(ع) و معاویه را برجسته می‌کرد. تقفی را می‌توان از مؤلفانی دانست که رویکرد تاریخی بر نگارش آثارش غالب است. در کتاب *الغارات*، او با گزینش روایات فراتاریخی معقول و هم‌سو با آرا کلامی، به تثبیت باور شیعه پرداخته است. اثر او در زمینه نزع شیعیان با امویان و عباسیان کارکردی هویت‌ساز و مشروعیت‌بخش داشت. در مقابل، عبدالجلیل قزوینی رازی در قرن ششم هجری، در دوران سلجوقیان، با هدف دفاع از باورهای شیعه در برابر انتقادات اهل سنت و حفظ انسجام تشیع و تقریب مذاهب، تحلیلی جامع‌تر ارائه داد. او بر پاسخ به شبهات، تثبیت مشروعیت شیعه و تقابل فکری شیعه و سنی تمرکز داشت. در حالی که تقفی بیشتر بر اخلاق و عدالت تأکید داشت، قزوینی بر استدلال محوری، دفاع نظری و تقریب مذاهب تمرکز می‌کرد. این نگرش نه‌تنها در حفظ هویت دینی مؤثر است، بلکه در مقابل انحرافات فکری و الحادی نیز دفاعی قوی به‌شمار می‌آید و گویای گذار گفتمان امامی به‌سوی نگرشی تعامل‌گرا در هر دو اثر است. بررسی *الغارات* ابراهیم تقفی و *النقض* عبدالجلیل قزوینی نشان می‌دهد که متون تاریخی شیعه امامی، فارغ از تمایزهای روشی، از ظرفیتی مشترک، هم‌سو و هماهنگ برای بازنمایی انگاره انسان کامل برخوردارند. اگرچه تقفی با رویکرد روایی و قزوینی با مبنای کلامی به نگارش پرداخته‌اند، هر دو کوشیده‌اند تا مفاهیم دینی همچون عدالت، عقلانیت، مسئولیت انسانی و هدایت الهی را در بستر تاریخ به کار گیرند. انتخاب این دو نویسنده نه بر پایه هم‌سنخی روش‌شناختی، بلکه بر مبنای نقش مؤثر آنان در بازتولید هویت شیعی و تقویت بن‌مایه‌های انسان‌شناسانه تشیع صورت گرفته است. در مجموع، تفاوت در سبک و گرایش فکری میان تقفی و قزوینی نه‌تنها مانع تحلیل تطبیقی نشده، بلکه امکان بررسی دو الگوی مکمل از بازنمایی انسان در سنت شیعی را فراهم ساخته است. براین‌اساس، مطالعه تطبیقی این دو متن، پویایی گفتمان امامیه در مواجهه با چالش‌های نظری، هویتی و اجتماعی را آشکار می‌کند؛ گفتمانی که تاریخ را ابزاری برای دفاع از عقیده، بازتولید هویت و صورت‌بندی اخلاقی انسان در نسبت با آموزه‌های امامان(ع) تلقی می‌کند.

منابع

- ابن سعد، محمد بن سعد (۱۴۱۰ق) *الطبقات الکبری*، تحقیق محمد عبدالقادر عطا، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- ابن ندیم، محمد بن اسحاق (۱۴۱۷) *الفهرست*، بیروت: دارالمعرفه.
- ابن اعثم، ابو محمد احمد (۱۴۱۱/۱۹۹۱ق) *الفتوح*، تحقیق علی شیری، بیروت: دارالاضواء.
- ابن ربیع (۱۳۸۸) *علی نامه*، تصحیح و مقدمه از محمدرضا شفیعی کدکنی و محمود امیدسالار، تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- ابو نعیم اصفهانی (۱۹۳۴) *ذکر اخبار اصبهان*، لیدن: بریل.
- احمدزاده، محمد امیر؛ کوهی، مهناز (۱۴۰۱) «بررسی آرا و اندیشه‌های تاریخ‌نگاران ماوردی در اعلام النبوه»، *تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری*، دانشگاه الزهراء (س)، ۳۲ (۳۰)، صص ۱۴-۲۹.
- Doi: 10.22051/hph.2024.45447.1693
- انوری، حسن (۱۳۸۱) *فرهنگ بزرگ سخن*، تهران: سخن.
- آقابزرگ تهرانی، محمد حسن (۱۴۰۳) *الذریعه الی تصانیف الشیعه*، بیروت: دارالاضواء.
- آذربایجانی، مسعود؛ موسوی اصل، سید مهدی (۱۳۸۵) *درآمدی بر روان‌شناسی دین*، تهران: سمت.
- برنجکار، رضا (۱۴۰۲) *آشنایی با فرق و مذاهب اسلامی*، قم: مؤسسه فرهنگی طه: کتاب طه.
- بغدادی، اسماعیل پاشا (۱۴۱۳ق) *هدیه العارفین*، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- برلین، آیزیا (۱۳۸۱) *چهار مقاله درباره آزادی*، ترجمه محمدعلی موحد، تهران: خوارزمی.
- پاکروان، مهدیه و دیگران (۱۳۹۹) «نسبت سنجی میان زمان نگارش و موضوعات ردیه نگاری های شیعیان تا نیمه اول قرن پنجم هجری»، *تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری*، دانشگاه الزهراء (س)، ۳۰ (۲۶)، صص ۶۸-۳۹.
- ثقفی کوفی، ابراهیم بن محمد (۱۳۹۵) *الغارات*، تحقیق جلال‌الدین حسینی ارموی (محدث)، تهران: انتشارات انجمن آثار ملی.
- حلی، حسن بن یوسف (۱۴۳۷) *کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد*، به تصحیح جعفر سبحانی، قم: مؤسسه الامام الصادق.
- حر عاملی، محمد بن حسن (بی تا) *وسائل الشیعه*، قم: مؤسسه آل بیت لحياء التراث.
- حموی، یاقوت (۱۴۰۰) *معجم الادب*، بیروت: دارالفکر.
- حضرتی، حسن و دیگران (۱۴۰۱) *مورخان و امر قدسی*، به کوشش فاطمه بختیاری، تهران: لوگوس.
- حسن زاده، اسماعیل (۱۳۸۸) «بینش و روش در تاریخ‌نگاری عتبی»، *تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری*، دانشگاه الزهراء (س)، ۱۹ (۳)، صص ۵۹-۹۲.
- Doi: 10.22051/hph.2014.822
- دینوری، ابوحنیفه احمد بن داوود (۱۹۶۰) *اخبار الطوال*، بی جا: دار احیاء الکتب العربی.
- ذهبی، محمد بن احمد (۱۹۹۳/۱۴۱۳) *تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر والأعلام*، تحقیق عمر عبدالسلام تدمری، بیروت: دارالکتب العربی.

تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری، سال ۳۳، شماره ۳۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۲ / ۳۰۵

رادمنش، عزت‌الله (۱۳۸۷) مکتب تاریخی قرآن، تأملاتی در علم تاریخ و تاریخ‌نگاری اسلامی، به کوشش حسن حضرتی، قم: بوستان کتاب.

ربیعی، حسن کریم (۱۴۲۹) «منهجیه ابراهیم بن محمد الثقفی» فی کتابه الغارات، المنهاج، العدد ۵۱، صص ۲۱۴-۲۴۸.

شمیل، آنه ماری (۱۳۷۴) ابعاد عرفانی اسلام، ترجمه عبدالرحیم گواهی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی. _____ (۱۳۸۳) محمد رسول خدا، ترجمه حسن لاهوتی، تهران: شرکت انتشارات علمی و

فرهنگی

سهرابی فر، محمدتقی (۱۳۹۴) چپستی انسان در اسلام، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

صفدی، خلیل بن ایبک (۱۴۰۲) الوافی بالوفیات، بیروت: دارالنشر فرانز شتاینز.

صفا، ذبیح‌الله (۱۳۷۸) تاریخ ادبیات در ایران، تهران: فردوس.

توسی، محمدبن حسن (۱۴۱۵) الابواب (رجال)، بی‌جا: مؤسسه النشر الاسلامیه التابعه.

_____ (۱۴۱۷) الفهرست، بی‌جا: مؤسسه نشر الفقاهه.

طبری، محمدبن جریر (۱۳۸۷ق) تاریخ الامم و الملوک، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت: دارالتراث.

فر مهبینی فراهانی، محسن (۱۳۸۳) پست مدرنیسم و تعلیم و تربیت، تهران: آبیژه.

قزوینی رازی عبدالجلیل (۱۳۵۸) نقض معروف به بعضی مثالب النواصب فی نقض بعض فضائح الروافض، تهران: انجمن آثار ملی.

کحاله، عمر رضا (بی‌تا) معجم المؤلفین، بیروت: مکتبه المثنی و دار احیا التراث العربی.

کراجکی، محمدبن علی (بی‌تا) کنزالفوائد، ترجمه محمدباقر کمرهای، تهران: فردوسی.

کرین، هانری (۱۳۸۹) اهل بصیرت در عرفان ایران زمین، تهران: نشر معراج.

لمتون، آن (۱۳۸۵) دولت و حکومت در اسلام، ترجمه مهدی فقیهی، تهران: شفیعی.

مسعودی، علی بن حسین (۱۴۰۴) مروج الذهب و معادن الجواهر، قم: منشورات دارالهجره ایران.

مامقانی، عبدالله (۱۴۳۱) تنقیح المقال فی علم الرجال، قم: مؤسسه آل‌البیت.

موسوی خوانساری، میرزا محمدباقر (۱۴۱۱ق) روضات الجنات فی احوال العلماء و السادات، بیروت: الدارالاسلامیه.

مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳) بحارالانوار، بی‌جا: مؤسسه الوفا.

مفید، محمدبن محمدبن نعمان (۱۳۹۶) الارشاد، ترجمه امیر خانبلوکی، قم: تهذیب.

ماسینیون، لویی (۱۳۹۰) سخن انالحق و عرفان حلاج، ترجمه سید ضیال‌الدین دهشتری، تهران: جامی.

میرزایی، عباس (۱۳۹۳) «ابن راوندی و دفاع از اندیشه کلامی کوفه»، انجمن کلامی اسلامی حوزه، ۲(۴)، صص ۱۴۳-۱۲۵.

_____ (۱۳۹۷) «ابن قبه رازی در میانه اعتزال و امامیه»، جستارهایی در فلسفه و کلام، ۵۰(۲)، صص ۱۴۸-۱۳۱.

۳۰۶ / واکاوی نگرش انسان‌شناسی دینی در متون تاریخی ثقفی کوفی و قزوینی رازی / نظری ایلخانی آبادی و ...

ناجی، محمدرضا (۱۳۸۴) «ثقفی ابواسحاق ابراهیم‌بن محمد»، *دانشنامه جهان اسلام*، تهران: بنیاد دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، (۹)، صص ۸۸-۸۶.

نجاشی، احمدبن علی (۱۴۱۶) *فهرست اسماء مصنفی الشیعه (الرجال)*، بی‌جا: مؤسسه النشر الاسلامی.

نعمتی، فرهاد (۱۳۹۱) *نقش کوفه در گسترش تشیع تا قرن چهارم هجری*، قم: دفتر نشر معارف.

هالم، هاینس (۱۳۸۹) *تشیع، ترجمه محمدتقی اکبری*، قم: نشر ادیان.

یعقوبی، احمدبن‌ابی یعقوب (بی‌تا) *تاریخ یعقوبی*، بیروت: دار صادر.

ولی‌پور چهارده چریک، فلور (۱۴۰۱) *انسان‌شناسی عرفانی با تأکید بر آموزه‌های امام علی (ع)*، قم: انتشارات زحل.

وبر، ماکس (۱۳۷۱) *مفاهیم اساسی جامعه‌شناسی (بخشی از کتاب اقتصاد و جامعه)*، ترجمه احمد صدارتی، تهران: نشر مرکز.

ولوی، علی محمد (۱۳۸۰) *دیانت و سیاست در قرون نخستین اسلامی*، تهران: دانشگاه الزهرا(س).

TAJFEL, H; TURNER, J. E. (1986), " THE SOCIAL IDENTITY THEORY OF INTERGROUP BEHAVIOUR " IN IN S. WORCHEL; W. G. AUSTIN (EDS.). *PSYCHOLOGY OF INTERGROUP RELATIONS*. CHICAGO, IL: NELSON- HALL. PP. 7-24

LOCALAU, E AND MOUFFE(1985) *THE HEGEMONY AND SOCIALIST STATEGY: TOWARDS A RADICAL DEMOCRATIC POLITICS*, LONDON.

KLEIN, REBECCA (2011). *SOCIALITY AS THE HUMAN CONDITION* BOSTON: BRILL.

WEINREICH, P AND SAUNDERSON, W. (Eds) (2003). "ANALYSING IDENTITY: CROSS-CULTURAL, SOCIETAL AND CLINICAL CONTEXTS." LONDON: ROUTLEDGE

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

List of sources with English handwriting

- Abū No'aym Eṣfahānī (1934). *Deḡr Aḡbār Eṣbahān*, Leiden: Braille. [In Arabic]
- Ahmadzadeh, M. A. and Koochi, M. (2022). The study of Māwardī 's historiographical opinions and thoughts in A'lām al-Nubuwwah. *Journal of Historical Perspective&Historiography*, 32(30), 13-32. doi: 10.22051/hph.2024.45447.1693. [In Persian]
- Anvari, Hasan (2002). *Farhang-e Bozorg-e Soḡan*. Tehran: Soḡan. [In Persian]
- Aqa Bozorg Tehrani, Mohammad Hasan (1983). *Al-Ḋarī'a ila Tasānīf al-ṣī'a*. Beirut: Dār al-Aḡwā'. [In Arabic]
- Azarbajjani, Masoud, and Seyyed Mahdi Mousavi Asl (2006). *An Introduction to the Psychology of Religion*. Tehran: SAMT. [In Persian]
- Baḡdādī, Ismā'īl Pāšā (1992). *Hadiyat ul-'Arīfin*. Beirut: Dār al-Kotob al-'İlmīyya. [In Arabic]
- Barenjkar, Reza (2023). *An Introduction to Islamic sects and religions*. Qom: Mo'assese-ye Farhangī-ye ṭāhā. [In Persian]
- Berlin, Isaiah (2002). *Four essays on liberty*, trans. Mohammad Ali Movahhed. Tehran: Khwārazmī. [In Persian]
- Carbon, Henri (2009). *Insight into the Mysticism of Iran*. Tehran: Me'rāj Publishing.
- Ḋahabī, Moḡammad b. Aḡmad (1993). *Tārīḡ al-Islām wa Wafayāt al-Maṣāhīr wa al-A'lām*, ed. 'Umar 'Abd al-Salam Tadmur. Beirut: Dār al-Kotob al-'Arabī. [In Arabic]
- Dīnvarī, Abū Hanīfa Aḡmad b. Dāwūd (1960). *Aḡbār al-Ṭiwāl*. N.p: Dār İhyā' al-Kotob al-'Arabī. [In Arabic]
- Farmahini Farahani, Mohsen (2004). *Postmodernism and Education*. Tehran: Ābṭjeh. [In Persian]
- Halm, Heinz (2010) *Shiism*, translated by Mohammad Taqi Akbari, Qom: Religions Publishing House. [In Persian]
- Ḥamawī, Yāqūt (1980). *Mo'jam ul-Uḡabā'*. Beirut: Dār al-Fīkr. [In Arabic]
- Hassanzadeh, E. (2009). Vision and Method in "Utbi's" Historiography. *Journal of Historical Perspective&Historiography*, 19(3), 59-92. doi: 10.22051/hph.2014.822. [In Persian]
- Hazraty, Hassan et al. (2023). *Historians and the Holy Order*, ed. Fatemeh Bakhtiari. Tehran: Logūs. [In Persian]
- Hellī, Ḥasan b. Yūsuf (2015). *Kaṣf ul-Morād fī ṣarḡ Ṭajrīd ul-Ī'tīqād*, ed. Ja far Sobhani. Qom: Mu'asseseh-ye Imām Ṣādeq.
- Ḥorr 'Amelī, Moḡammad b. Ḥasan (n.d.). *Wasā'īl ul-ṣī'a*. Qom: Mu'assīsa Āl al-Bayt lī-İhyā' al-Torāṭ. [In Arabic]
- İbn A'ṭam al-Kūfī, Aḡmad (1991). *Al-Fotūḡ*, ed. Ali Shiri. Beirut: Dār al-Aḡwā'. [In Arabic]
- İbn Nadīm, Moḡammad b. İṣḡāq (1996). *Al-Fīhrīst*. Beirut: Dār ul-Ma'rīfa. [In Arabic]
- İbn Rabī' (2009). *'Alī-nāmeḡ*, ed. And intro. Mohammad Reza Shafiei-Kadkani and Mahmoud Omid Salar. Tehran: Majles Library, Museum and Documentation Center. [In Arabic]
- İbn Sa'd, Moḡammad b. Sa'd (1989). *Al-Ṭabaqāt al-Kobrā*, ed. Mohammad Abd-al-Qader Ata. Beirut: Dār al-Kotob al-'İlmīyya. [In Arabic]
- Kahhāla, 'Umar Riḡā (1980). *Mu'jam ul-Mu'allīfīn*. Beirut: Maktabat al-Moṭannā & Dār İhyā' al-Torāth al-'Arabī. [In Arabic]
- Karajakī, Moḡammad b. 'Alī (1980). *Kanz ul-Fawā'id*, trans. Mohammad-Baqer Kamare'i. Tehran: Ferdowsī. [In Arabic]
- Klein, Rebecca (2011). *Sociality as the Human Condition*. Boston: Brill.
- Lamton, Ann (2006). *State and government in medieval Islam: an introduction to the study of Islamic political theory: the Jurists*, trans. Mahdi Faqihī. Tehran: ṣafī'ī. [In Persian]
- Localau, Ernesto, and Chantal Mouffe (1985). *Hegemony and Socialist Strategy: Towards a Radical Democratic Politics*. London: Verso. [In Arabic]
- Maḡlesī, Moḡammad Bäqer (1983). *Bīḡār ul-Anwār*. [n.p.]: Mū'assīsa al-Wafā'. [In Arabic]
- Māmaqānī, 'Abdollaḡ (2009) *Tanqīḡ al-Maqāl fī 'İlm ul-Rījāl*, Qom, Āl-Al-Bayt Institute

- Massignon, Louis (2012). *Soḡan Inā al-Haqq wa 'Irfān al-Ḥallāj*, trans. Seyyed Zia-al-Din Deheshtari. Tehran: jāmi. [In Arabic]
- Mas'ūdī, 'Alī b. Ḥussaīn (1984). *Morūj ul-Dahab wa Ma'ādīn al-Jawhar*. Qom: Dār al-Hijra.
- Mirzaei, Abbas (2014). "Ibn Rawandi and the Defense of Kufa's Theological Thought." *Islamic Theological Association of the Hawza*, 2(4), 125–143. [In Persian]
- Mirzaei, Abbas. (2018). *Ibn Qubba Rāzī in between I'tizāl and Imāmiyya*. Essays in Philosophy and Theology, 50(2), 131–148. [In Persian]
- Mofid, Moḡammad b. Moḡammad b. No'mān (2017). *Al-Īrṣād*, trans. Amir Khanbuluki. Qom: Tahzīb. [In Arabic]
- Mūsavi Khānsārī, Mīrzā Moḡammad Bāqer (1990). *Rawḡat ul-jannāt fi Aḡwāl al-'Ulamā' wa al-Sādāt*. Beirut: Dār al-Īslāmīyya. [In Arabic]
- Najāšī, Aḡmad b. 'Alī (1995). *Rījāl al-Najāšī*. Qom: Mu'assisa al-Našr Īslāmī. [In Arabic]
- Naji, Moḡammad Reza (2005). "Thaqafi Abū Ishaq Ībrāhīm b. Moḡammad." *Encyclopedia of the Islamic World*, Vol. 9, 86–88. Tehran: Foundation of the Great Islamic Encyclopedia. [In Persian]
- Nemati, Farhad (2012). *The role of Kufa in the spread of Shiism until the fourth century AH*. Qom: Ma'ārif. [In Persian]
- Pakravan, Mahdiyeh, Valavi, Ali-Mohammad, and Tavoosi Masroor, Saeed (2020), *A Study of the Relationship Between the Reporting Dates and the Subjects of Shiite Rebuttal Writings (Prior to the Second Half of the Fifth Century)*, *Journal of Historical Perspective and Historiography*, Alzahra University, Vol. 30, New Issue, No. 26. [In Persian]
- Qazvīnī Rāzī, 'Abd al-Jalīl (1979). *Al-Naqd*. Tehran: Anjoman-e Ātār-e Mellī. [In Arabic]
- Rabiei, Hassan Karim (2008). "The methodology of Ībrāhīm ibn Moḡammad al-Thaqafī in *Al-Ghārāt*." *Al-Mīnhāj*, No. 51, 214–248. [In Persian]
- Radmanesh, Ezzatollah (2008). *The Historical School of the Quran, Reflections on the Science of History and Islamic Historiography*. Ed. Hassan Hazrati. Qom: Būstān-I Ketāb. [In Persian]
- Safa, Zabihullah (1999) *History of Literature in Iran*, Tehran: Ferdous. [In Persian]
- Safādī, Qalīl b. Aybak (1982). *Al-Wāfī bi-al-Wafayāt*. Beirut: Franz Steiner. [In Arabic]
- Shimmel, Annemarie (1995). *Muhammad: The Messenger of God*, trans. Hasan Lahouti. Tehran: Mu'assesa-ye Farhangī-ye 'Elmī va Farhangī. [In Persian]
- Shimmel, Annemarie. (1996) *Ab'ād-I Ma'navī-yi Islām*, trans. 'Abd al-Raḡīm Gawāhī. Tehran: Našr-e Farhang-e Islāmī. [In Persian]
- Sohrabifar, Muhammad Taqi (2015). *Man in Islam*. Tehran: Research Institute for Islamic Culture and Thought. [In Persian]
- Tabarī, Moḡammad b. Jarīr (2008). *Tārīkh al-Umam wa al-Molūk*, ed. Moḡammad Abolfazl Ebrahim. Beirut: Dār al-Turāt. [In Arabic]
- Tajfel, H., and J. E. Turner (1986). "The Social Identity Theory of Intergroup Behaviour." In S. Worchel and W. G. Austin (eds.), *Psychology of Intergroup Relations*, pp. 7–24. Chicago: Nelson-Hall.
- Thaqafī al-Kūfī, Ībrāhīm b. Moḡammad (2016). *Al-Ghārāt*, ed. Jalal al-Din Hosseini Ermavi. Tehran: Anjuman-I Honar-I Millī. [In Arabic]
- Tūsī, Moḡammad b. Ḥasan (1996). *Rījāl al-Tūsī*. [n.p.]: Dār al-Īslāmīyya. [In Arabic]
- Tūsī, Moḡammad b. Ḥasan (1994). *Al-Fihrist*. [n.p.]: Dār al-Fīqh. [In Arabic]
- Valavi, Ali-Mohammad (2001), *Religion and Politics in the Early Islamic Centuries*, Tehran: AlZahra University. [In Persian]
- Valipour Chahardah Cherick, Flour (2023). *Mystical Anthropology with Emphasis on the Teachings of Imam Ali (a.s.)*. Qom: Zoḡal. [In Persian]
- Weber, Max (1992). *Basic Concepts of Sociology*, trans. Ahmad Sedarati. Tehran: Markaz. [In Persian]
- Weinreich, Peter, and Wendy Saunderson, eds. (2003). *Analyzing Identity: Cross-Cultural, Societal and Clinical Contexts*. London: Routledge.
- Ya'qūbī, Aḡmad b. Abī Ya'qūb (n.d.). *Tārīkh al-Ya'qūbī*. Beirut: Dār Ṣādīr [In Arabic].



An Analysis of the Religious Anthropology Perspective in the Historical Texts of Thaqafi, Kufi, and Qazvini Razi¹

Tahereh Nazari Ilkhani-Abadi²
Mojtabi Garavand³, Dariush Nazari⁴

Received: 2025/01/21
Accepted: 2025/04/10

Abstract

As an interdisciplinary approach, religious anthropology examines the position of man in relation to the divine teachings. This concept has found a distinct form in the Imami tradition, especially from the point of view of the idea of the "perfect man" and its connection with the religious system. Using a descriptive-analytical method, the present study attempts to answer the question of how the reflection of religious anthropology is formulated in two important Imami texts, namely *Al-Gharat* by Ibrahim ibn Muhammad Thaqafi Kufi (283 AH) and *Al-Naqz* by Abdul Jalil Qazwini Razi (560 AH). Despite the difference in the intellectual orientation of these two authors, Thaqafi as a hadith scholar and Qazwini as a theologian, both used history as a tool to present the image of the religious man and defend Shi'i identity on three common axes: identity-formation based on reason and ethics, use of historical narratives, and interaction with social contexts. *Al-Gharat*'s emphasis on moral coherence and the tendency of negation towards a religious approximation indicate the transition of the Imami discourse towards an interactionist perspective. In this framework, the perfect human being is a multidimensional being who plays a reforming role in society through reason, morality and sharia. The authors based on rationality have outlined two complementary paths: the intra-religious path with the consolidation of Shiite identity and the extra-religious path with the tendency towards multicultural dialogue. In their view, history is not simply a narrative of events, but an epistemological tool for explaining human and saving values, and meanwhile the concept of "perfect man" as a comprehensive model of human perfection occupies a central place in the Imamiyya epistemological system.

Keywords: Historical texts of the Imami Shia, Religious anthropology, Intra-religious and extra-religious perspectives, Ibrahim Thaqafi Kufi, Abdul Jalil Qazvini Razi

1. DOI:10.22051/hph.2025.49637.1773

2. PhD student, Department of History, Faculty of Literature and Humanities, Lorestan University, Khorramabad, Iran: tahherehnazari@yahoo.com

3. Associate Professor, Department of History, Faculty of Literature and Humanities, Lorestan University, Khorramabad, Iran (Corresponding author): garavand.m@lu.ac.ir

4. Associate Professor, Department of History, Faculty of Literature and Humanities, Lorestan University, Khorramabad, Iran: nazari.d@lu.ac.ir

Print ISSN: 2008-8841/ Online ISSN: 2538-3507